



فرهنگ سیاسی، سیاست فرهنگی

« صفحه ۲ »

جهادگران تبین

« صفحه ۳ »

نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا

« صفحه ۴ »

● سخن سردبیر

از ابتدای خلقت انسان همواره دو جبهه ایدئولوژیک حق و باطل در روبروی یکدیگر بودند. جبهه باطل به دلیل داشتن برتری ظاهری در حیطه های مختلف، تمایل به زورگویی و اعمال قدرت، دلیل ساختن طرف مقابل خود و لجاجت داشته و زمینه ساز بخش عظیمی از این تمایلات، خوی مستکبرانه ی این جبهه بوده است. استکبار که از ریشه کبر برآمده، به زبان ساده به در معنای خودبرتربینی به کار میرود و به قدری قبیح شمرده شده است که برخی از آن به عنوان "ام الرذائل" نیز یاد می کنند؛ کما اینکه اولین گناه سرزده از مخلوقات خداوند به دلیل همین رذیله بوده است. ابلیس اولین مستکبر عالم، به دلیل احساس برتری وجودی خود نسبت به آدم، حاضر به سجده در برابر خلیفه الله نشد و طی این سرپیچی زمینه ساز رذائل عالم شده و جدال حق و باطل کلید خورد. پس از آن در برهه های زمانی مختلف مستکبرین و مستضعفین به دلیل خصایص گوناگون که بخش عظیمی از آنان ریشه در خوی مستکبرانه جبهه ی باطل

داشت، در موقعیت های مختلف در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند؛ برای مثال، قوم حضرت نوح به دلیل خود برتر بینی به مخالفت با ایشان که اولین پیامبر اولوالعزم صاحب شریعت بود پرداختند، پس از آن قوم حضرت هود به دلیل اظهار نیرومندی روی به مقابله بردند، در زمان حضرت شعیب حب ذات قوم، مسبب روبرویی دو جبهه شد، فرعون و قارون و هامان به دلیل در اختیار داشتن تاج و تخت و ثروت و غرورنشئت گرفته بودند. سرانجام در زمان خاتم الانبیا الله علیه و آله و سلم یهودیان و مشترکین به دلیل روحیه مستکبرانه به بالاترین حد عناد ورزی علنی با حق پرداختند. این دشمنی آشکارا در حالی بود که بسیاری از آنان در خفا به حقانیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معترف بودند اما همواره از خصوصیات مستکبرین آن است که اگر چیزی خلاف میل آنها باشد آن را به بازی و شوخی و استهزا می گیرند کما اینکه سالیان دراز با پیامبر نیز چنین کردند. پس از ایشان ۲۵۰ سال امامت ائمه اطهار (علیهم السلام) سراسر توأم با مبارزه

علنی و خفی با استکبار و و زورگویی بوده است که آشکار ترین مثال آن، قیام تا ابد حیّ امام حسین (علیه السلام) و سخن گرانبار ایشان است که فرمودند "اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید" و این خود مهر تاییدی بر تقبیح زیر بار زور رفتن است. به تاریخ معاصر که نزدیک شویم، اتفاقاتی مانند قیام مشروطه و سالها بعد حماسه هایی چون ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، مبارزات چندین ساله انقلابیون، پیروزی انقلاب نه شرقی نه غربی، و موکدا تسخیر لانه جاسویی همگی حاوی بعد استکبارستیزانه ی برجسته ای بودند. تقابل حق و باطل جدالی به درازای عمر بشریت بر روی کره خاکی است و نشان دهنده ی روحیه ی استقلال طلبانه و آزاد منشانه ی جبهه ی راستین، و خوی جبارانه ی جبهه ی مقابل بوده است اما نوید آن است که اسلام وعده ی نابودی تدریجی مستکبرین را به مسلمین داده و این وعده به یاری خداوند با ظهور سراسر نور حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) و تشکیل دولت جهانی اسلام به وقوع خواهد پیوست.



فرهنگ سیاسی، سیاست فرهنگی

ریحانه امین پور

کمتر از یک سال پس از پیروزی انقلاب، جوانان ایرانی شناخته شده به دانشجویان پیرو امام در مقابل دخالت های آمریکا سکوت نکردند و در اقدامی از دیوارهای سفارتشان بالا رفته و آنها را بیرون کردند تا به آمریکا بفهمانند در مقابل چه ملتی حقه بازی می کنند! جوانانی در راه این ایستادگی و مقاومت به شهادت رسیدند و از همین رو امام خمینی (ره) بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی این حرکت بزرگ و جسورانه را تا جایی عظیم و پرافتخار دانستند که عنوان انقلاب دوم را به آن دادند. ایشان سه دلیل اصلی بزرگ بودن این انقلاب را ضد آمریکایی بودن، ایستادن در مقابل دشمنی و توطئه گری و جلوگیری از خطر بازتولید وابسته گری و سلطه گری می دانستند. ۱۶ سال مبارزات قبل از پیروزی انقلاب؛ اگرچه ظاهراً در برابر شاه بود اما در حقیقت مبارزه با دخالت های بیجا و سیاست های متجاوزانه ی آمریکا بود چرا که آنان چه در در ابتدای امر برای قدرت بخشیدن به شاه و چه در سیر حکومت او دخالت کننده در تمام تصمیمات و به عبارتی همه کاره ی کشور بودند. آمریکا سفارت خود در ایران را به محلی برای پرورش جاسوس علیه ایران تبدیل کرده و در عین حال تمام تبلیغاتشان در سراسر جهان بر ضد ایرانیان بود. از آن زمان تا کنون افراد زیادی اعم از تحلیل گران، دانشجویان، روحانیون، عالمان سیاسی و حتی مردم عادی از بعد سیاسی به این انقلاب نگاه کرده و آن را از جهات مختلف تحلیل و بررسی کردند و حتی مقاله هایی را نیز منتشر کردند اما در این میان کمتر کسی پیدا می شود که به بعد فرهنگی

ماجرای که خود نقش بسیار مهمی در تشکیل و تثبیت تاریخچه ی یک انقلاب دارد پرداخته باشد، در صورتی که دشمن همیشه گوش به زنگ است و در همان سالها، که هنوز مدت زیادی از تسخیر سفارت آمریکا نگذشته بود به دلیل اینکه این مسئله برایش حائز اهمیت بالایی بود، طبق یک نقشه برنامه ریزی شده پیروزی ایران را چنان همیشه کتمان کرد و در حرکتی دروغین خود را قهرمان این اتفاق جا زد، سالها بعد نیز با تولید یک فیلم اذهان جهانیان را مجدداً به سمت خود کشید و به قهرمان سازی دروغین پرداخت. این در حالی بود که ایران از همان ابتدا با امکاناتی که در دست داشت می توانست دست به تولیدات رسانه ای زده و از شفاف سازی در این راستا غافل نشود تا حقیقت از بین نرود و آمریکا نتواند با استفاده از روایت های دروغین خود این ماجرا را برای جهانیان نقل کند. تمام این کوتاهی هایی که در نقل اتفاقات بزرگ با آن مواجه هستیم به دلیل بی توجهی و عدم پرداخت فرهنگی و یا عدم پرداخت صحیح و در لحظه، به ماجراها و اتفاقات است که نتیجه ای جز عدم تثبیت استکبار ستیزی به عنوان یک فرهنگ در جامعه ایران، در پی ندارد. این مسئله نه تنها در تسخیر لانه جاسوسی بلکه در همه زمان ها، چه در زمان گذشته، چه حال و چه آینده موجب می شود تا دشمن که به دلیل عدم داشتن قهرمان در سرزمین خود به دنبال قهرمان سازی های دروغین است، از این ضعف در به تصویر کشیدن، نقل، ثبت و اعلام حقایق سوء استفاده کرده و همیشه خود را جز پیروز میدان دلیر نیز نشان دهد ایرانیان را ملتی شکست خورده، ضعیف و ظالم نشان دهد که کورکورانه دست به انقلاب های بزرگ میزنند. امید است هنرمندان متعهد از این هنر خود بیش از پیش برای به تصویر کشیدن حقایق استفاده کرده تا شاهد این تحریف ها در سطح جهان نباشیم.

جهادگران تبین

ریحانه فلاح

همیشه اولین قدم برای پی بردن به ماهیت و چرایی یک موضوع، درک ذات و مفهوم آن است. بدیهیست که حیات زیر هرگونه سلطه‌ای، فاقد ارزش و مرتبه است و از همین روست که اسلام، سعادت انسان در تمام جوامع بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق مسلم مردم جهان می‌داند و از هرگونه حرکتی در راستای این حق که در هر نقطه‌ای از جهان شکل گرفته باشد یا بخواهد شکل بگیرد، حمایت می‌کند. آنچه امروز به عنوان استکبارستیزی معنا می‌یابد این است که ملت‌ها نه تنها زیر بار مداخله جویی و تحمیل دولت و قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر نرفته بلکه در کنار آن از تمام ابزارهایی که دارند برای مقابله با مستکبرین استفاده نمایند. در تمام ادوار تاریخ، آنچه که به خوبی به چشم می‌آید این است که همیشه مستکبرانی هستند و برای رسیدن به اهدافشان از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. در این عصر نیز استکبار جهانی با مکر و فریب و ایجاد جنگ روانی دست به طبقه‌سازی، شبهه‌فکنی و اختلاف‌افکنی زده و بر علیه کرامت انسانی به پا خاسته است و در صدد مسموم‌سازی افکار و از میان بردن اراده‌هاست. امروزه صاحبان قدرت با استفاده از عدم آگاهی‌آحاد جامعه و غرض‌های سیاسی و منفعت‌طلبانه‌ی خود، دوگانه‌هایی کاذب و ساختگی ایجاد کرده‌اند و با در ابهام‌نگه داشتن افکار و اذهان مردم و به خصوص جوانان، بسیاری از آرمان‌ها و بنیان‌های حکومت اسلامی مانند عدالت، آزادی و مردم‌سالاری دینی را با شبهات مختلف زیر سوال برده‌اند. بنا به دستور اسلام و شرایط کنونی هر مسلمان مکلف و موظف است که به مقابله با ظلم و استکبار برخیزد. یکی از مهمترین و اثربخش‌ترین راه‌های استکبارستیزی، آشکارسازی و تبیین حقایق است. در پیش گرفتن سکوت در مواجهه با چالش‌ها و سوالات روز جامعه، خود موجب ایجاد ابهام و سردرگمی بیشتر می‌شود و بی تفاوتی در مقابل این ابهامات زمینه را برای سوء استفاده بیشتر دشمنان فراهم می‌کند. برای



ریشه‌کنی استکبار ابتدا باید نقشه‌ها، ابزار و امکانات مستکبرین را شناسایی کرد و سپس به مقابله با آنها پرداخت. در عصری که زیست می‌کنیم، یکی از ابزارهایی که میتوان از آن برای تبیین عقاید و ارزش‌های خود استفاده نماییم؛ فضای مجازی است چرا که اکثر مخاطبین آن از قشر جوان هستند؛ از همین روست که با بررسی برخی از جهات، فضای مجازی بهترین ابزار برای تبیین محسوب می‌شود. جوان‌ها و دانشجویان دغدغه‌مند، به عنوان امیدهای ملت و سازندگان آینده، وظیفه دارند که گوشه‌ای از بار تبیین در این فضای غبارآلود را به دوش کشیده و بسیاری از حقایق را روشن سازند. در فضای مجازی می‌توان ضمن اینکه افکار درست و صحیح را منتشر کرده به شبهات نیز پاسخ داد. در واقع میتوانیم همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند با خنثی کردن توطئه‌های دشمن با شیوه‌ای نوین، به معنای واقعی کلمه جهاد کنیم. حال نکته قابل توجه اینجاست که شیوه جهاد تبیین با دیگر کنش‌های رسانه‌ای متفاوت است و باید دارای ذاتی کاملاً انقلابی و تکاملی باشد، یعنی در عین مردمی بودن موجبات آگاهی و رشد مخاطب را نیز فراهم کند. برای دستیابی به این مهم و عملکرد صحیح در عرصه روشنگری، می‌توان از حضرت زینب(سلام الله علیها) الگو گرفته و با منطقی قوی، سخنانی متین، عقلانیتی کامل و البته با به کارگیری اخلاق و مزین نمودن آن به عواطف انسانی به دور از هرگونه دشنام، تهمت، فریب و دروغ ضمن تبیین صحیح و اصولی به خنثی کردن توطئه‌های دشمنان نیز پرداخت.

نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا

الهام شهرابی

کنش یک سیاستمدار هنگام تصمیم گیری در موقعیت هایی استراتژیک نظیر روابط بین المللی، نشان دهنده میزان شناخت او نسبت به مواضع مورد اهمیت برای کشور و میزان بصیرت کارآمد اوست. در این بین حفظ موضع صحیح که قرآن آن را بصیرت توأم بدبینی میدانند، در برابر دولتی که روح استکبار در آن نهادینه شده است، حائز اهمیت بالاییست. کمتر ایرانی ای است که وقتی سخن از استکبار به میان می آید، نام آمریکا در ذهنش نقش نبندد، (چه مطابق میلش باشد و چه نباشد!) برخی گمان می کنند دلایل این عناد، مبتنی بر خصومت شخصی و سلیقه ایست در حالی که این روحیه ی برخاسته از دستورات دینی، در برابر هر مستکبری لازم بوده و اگر کشور دیگری نیز به جای آمریکا با چنین خط مشی ای در مقابل ما قرار داشت، موضع ما به همین صورت بود. استکبار یک مفهوم است که مصداق آن آمریکا است، چرا که ما با این کشور به عنوان یک منطقه جغرافیایی و با ملت آن به عنوان یک جامعه انسانی مشکلی نداریم، بلکه مشکل ما دولت آن است چرا که روح استکبار در آن نهادینه شده است. و ترک مخاصمه و دوستی تا زمان تداوم خوی استکباری این کشور، ممکن نیست. هنگام رویارویی با هر مستکبری باید دانست که مقصود او ذلت، حقارت و ناتوانی طرف مقابل خود و در عین حال صاحب همه چیز بودن خودش است. گاهی برخی گمان می کنند علت عناد ظاهری ما و آمریکا، صرفاً وجود حاکمیت جمهوری اسلامی است در حالی که خود سیاستمداران این کشور، اقرار کرده اند که ما باید ریشه ی ملت ایران را- نه ریشه جمهوری اسلامی را بخشکانیم. با تمام تفصیل، به طور کلی در برابر مستکبری چون آمریکا، دو نوع نگاه و منش کلی یعنی خوش بینی و بدبینی از سوی سیاستمداران در دولت های مختلف، وجود داشته است.

خوش بینان به روابط بین المللی ایران و آمریکا چندین تجربه ی عبرت آموز در کارنامه ی خود دارند؛ با کمی کاوش در تاریخ، به واقعه ای مانند کودتای ۲۸ مرداد برمیخوریم. اتفاقی که در داستان های دیرین ما با آمریکا، تا حد زیادی مستحق توجه بالاییست، زمانی که نه حرفی از انقلاب بوده است و نه جمهوری اسلامی، آمریکا برای تلاش در راستای حفظ منافع خود و غارت نفت ایران، دکتر مصدق را که به انگلیس پشت کرده و به آمریکا روی آورده بود، با بدجنسی تمام مانند شی ای تاریخ مصرف گذشته، کنار گذاشت و از آن فراتر، امنیت خاطر او را تا پایان عمر مکدر ساخت. در بیان مصداقی دیگر، خدمت های خاندان پهلوی به آمریکا بر احدی پوشیده نیست، اردشیر زاهدی، داماد، معتمد و رابط شاه با آمریکایی ها خود بیان می کند که کارتر پیش از عزیمت شاه به آمریکا از وزارت امور خارجه درخواست داشت که، به اطلاع مقامات ایران برساند صرفاً به دلیل مسائل انسان دوستانه و انجام معالجات پزشکی است و بعد از اتمام دوره ی درمان، شاه از آمریکا خارج خواهد شد! این در حالی بود که شاه مخلوع از تمام ظرفیت مملکت، برای خدمت رسانی به اربابانش بهره گرفته و از هیچ مساعدتی کوتاهی نکرده بود! اگر کمی در تاریخ پیش بیایم، به داستان مذاکرات وین برخورد میکنیم، سیاستمدارانی که پایه و اساس روابط خود را خوش بینی کاذب گذاشته، قصد اتمام دوران قهر و دوری با آمریکا را داشتند و مدعی زبان دنیا را بلد بودن، بودند و این خوش بینی تا جایی پیش رفت که امضای کری را تضمین دانستند، چه چیزی جز درس عبرت شدن برای تاریخ شدن، نصیبشان شد؟ مذاکرات دولت یازدهم و دوازدهم دستاوردی بزرگ و قابل تامل داشت و آن هم اثبات غیر قابل اعتماد بودن آمریکا برای ملت ایران بود، بی تعهدی و عدم وفاداری آمریکا به قول و قرارهایش و در عین حال توجیه این همه بد عهدی، در عین خطاکاری طلبکار بودن و... مسائلی بود که ملزم اثبات علنی و مصداقی بودند



وجود داشت اما اعتماد به مستکبرین و قلدران و تابعین و دنباله رندگان آنان، خیر. رهبر معظم انقلاب در رویکرد خود نسبت به موضع گیری در برابر مستکبرین، به بحث پیشرفت که از مولفه های مردم سالاری دینی شمرده می شود تاکید داشته و بر این باورند که ما ملزم به انتخاب راه مناسب و طی کردن مسیر هستیم، بگذاریم دشمن دنبال ما بدود. اگر برای گفت و گو با او بایستیم، قدم قدم ما عقب برده و جلو می آید. اگر به مذاکره بنشینیم، ما را متوقف و حتی از مسیر منحرف میکند چرا که مذاکره امتیاز دادن و گرفتن است اما مستکبر، فقط امتیاز گرفته و چیزی عاید طرف مقابلش نخواهد کرد. اصلا معنای استکبار جهانی همین است، زورگویی، خودپرتر بینی، عدم تعهد و پایبندی حتی به سخن خود، و خلف وعده. اگر دشمن سلطه جو تلاش در اعمال فشار بر کشور ما دارد، چشم به عناصر سیاسی ضعیف در داخل دوخته است و با محو شدن این عناصر، دیگر اعمال فشار معنایی ندارد چرا که ملت خودباورانانه و بی اعتنا به خارج، و با شعار هیهات من الذله، مشغول پیشرفت خود در داخل میشوند. عقل به ما می گوید نتیجه ی ذره ای عقب نشینی، ذلت خواهد بود. مصداق بارز این موضوع، واقعه ی ۱۲ آبان امسال بود، حتی در شرایطی که بحمدالله کشور از توانایی نظامی بالایی برخوردار است، آمریکا با وقاحتی تمام برای اثبات عدم کفایت دفاعی ایران به جهانیان، دست به دزدی نفت - که جزو دست درازی های همیشگی اوست - زد اما ایران مقتدر به هیچ مستکبری اجازه نمی دهد تا پایش را از گلیم خود دراز تر کند، کمالینکه رسوایی فضاخت بار آمریکا در این روز - که البته اولین رسوایی او در برابر ایرانیان نیست - یکی از اثبات کنندگان این امر بود چرا که نه تنها دستش به قطره ای از نفت ایران نرسید، بلکه نفتکش متجاوزش نیز توقیف شد. آمریکا باید بداند که ما آقای خاورمیانه هستیم چرا که مستکبر اگر از قدرت کشوری نترسد، تا کشاندن آن ملت به جیره خواری، عقب نخواهد نشست.



سازش با مستکبر عاقبتی خوشایند تر از این نداشته و نخواهد داشت چرا که، روح استکبار ایجاب می کند که یک دولت تمام قدرت، ثروت، نفوذ، پیشرفت، علم، منابع و... را تنها برای خود بخواد و اگر ظاهرا در تعامل با ملتی منش خیر خواهانه دارد، به محض در خطر گرفتن منافعش، در برابر همان ملت شمشیر را از رو میبندد. در این بین، یادآوری دیالوگی از فیلم مختار نامه خالی از لطف نیست که مختار سپاهیان را چنین موعظه کرد: تزوییر به شما امان می دهد تا مقاومتتان را بشکنند، پس از غلبه شک نکنید گردنتان را خواهد شکست. همانگونه که پیشتر اشاره شد، موضع دیگر، بدبینی توأم با بصیرت در مواجهه با مستکبری چون آمریکاست. در این مسئله اگر به سیره ی امام (ره) توجه کنیم در میابیم که ایشان با صراحت و اتکا به خداوند، در عین قاطعیت و صراحت، مودبانه مواضع خود را تبیین میفرمودند. ایشان در عین حال آگاه بودند که چنین بیاناتی به مذاق قدرت ها خوش نیامده و آنان را عصبانی خواهد کرد؛ اما از آنجایی که هدف ایشان همواره کسب رضایت پروردگار و در تطابق با مردم سالاری دینی، حفظ کرامت مسلمین بود و به نصرت و کمک الهی باور داشتند، در برخورد با مستکبرین کاملا بدون رودربایسی بوده و به عبارتی اعتماد به خدا و بی اعتمادی به مستکبران جزو خطوط اصلی کار امام بود کما اینکه در همان سال ها، ریگان - از رئیس جمهوران مقتدر آمریکا - به وسیله ی طرق گوناگون، سعی در برقراری ارتباط با امام را داشت اما ایشان در عین بی اعتنایی به او و دولتش، از آمریکا به عنوان شیطان بزرگ یاد میکردند. البته باید متذکر شد که مشی امام قطع رابطه با دنیا نبود چرا که سران کشورها به مناسبت های مختلف برای ایشان پیام تبریک فرستاده و امام نیز به آنها پاسخ می داد، ارتباط در حد معمول، مودبانه و محترمانه

نشریه سیاسی فرهنگی اجتماعی دانشجویان انجمن اسلامی دانشکده شریعتی عضو دفتر تحکیم وحدت
سال ششم، شماره بیست و یکم، آبان ماه ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده دکتر شریعتی

مدیر مسئول و سردبیر: ریحانه فلاح

هیئت تحریریه: ریحانه امین پور، الهام شهبازی، ریحانه فلاح

صفحه آرا: محدثه شریفی



انجمن
اسلامی
دانشکده
شریعتی

(دفتر تحکیم وحدت)